



په اروپا کی د میشتی  
افغانانو دتولنو فدراسیون  
فدراسیون سازمانهای پناهندگان افغان در اروپا

## Federation of Afghan Refugee Organizations in Europe

Date: 28 April 2013

اعلامیه

### هفت و هشت ثور، دو روز فاجعه بار در تاریخ معاصر کشور

سیاهی و فاجعه بار بودن هفت ثور 1357 و هشت ثور 1371 برهیچکس پوشیده نیست. برخی از هموطنان ما شاهد عینی این دو فاجعه بوده ولی همه افغانها در آتش پیامدهای خونین ومصیبتبار این دو روز سیاه سوخته اند و میسوزند.

خانواده های دومیلیون شهید ونیم ملیون معیوب افغانستان، باشندگان پنچ هزار قریه که تحت قوماندۀ روسها و حزب و حکومت دست نشانده شان بخاک یکسان شد، صدها هزار دهقان، کارگر، روحانی، متنفذ، دوکاندار، مامورپانین رتبه، معلم، محصل، استاد وسایر افراد که دستگیر و نا پدید شدند، دهها هزار زندانی شکنجه شده دراکسا، کام، خاد وواد که با تن بیمار از باستیل حزب "دموکراتیک خلق" جان سلامت بردند وبالاخره نه ملیون افغان که مجبور به ترک کشورشان وقبول درد هجرت شدند، هرگز نمیتوانند خونریزیها، بمباردمانها، شکنجه های وحشیانه، اختناق هیتلری، بیدادگریها، مظالم، وانواع تجاوز به جان، مال وعزت شان در دوران حاکمیت حزب "دموکراتیک خلق" را فراموش کنند. مردم وتاریخ افغانستان این حرکت حزب "دموکراتیک خلق" را که برای جلوگیری ازبرهم خوردن موازنۀ قوا به ضرر به اصطلاح "اردوگاه صلح وسوسیالیزم" دست به کودتای نظامی زده وبا این عمل خویش وطن افغانها را به میدان جنگ سرد وهمه جنگهای متعاقب آن مبدل ساختند، یک خیانت بزرگ ملی میدانند. مردم افغانستان هرگز این حرکت ضدملی حکومت تحت رهبری حزب "دموکراتیک خلق" را فراموش نخواهند کرد که با اصراروتضرع از روسها خواست تا برای حفظ حکومت کودتائی وسرکوب مردم افغانستان به این کشور لشکرکشی کند. وقتیکه یلتسین شریانهای پول، تسلیحات وحتی موادسوخت را به حکومت سراپا وابستۀ نجیب الله قطع کرد، رهبران وکادرهای حزب "دموکراتیک خلق" (حزب وطن) سراسیمه شده خود را به تنظیمهای گوناگون فروختند. ناکام ساختن پروسه صلح تحت رهبری ملل متحد با تقسیم شدن درخطوط قومی وتسلیمدهی قدرت به تنظیم قوم خود، آخرین خیانت بزرگ رهبران وکادرهای حزب "دموکراتیک خلق" به افغانستان ومردم آن در دوران حاکمیت این حزب بود.

بدینترتیب وزارتهای دفاع وامنیت دولتی توسط جناح کارمل به شورای نظاروجمعیت وزارت داخله وبرخی قطعات اطراف، توسط طرفداران نجیب وبقایای جناح خلق به حزب اسلامی گلبدین راکتیار تسلیم داده شد. گلیم نجیب الله که بنام قصاب افغانستان شهرت داشت، حین

فرارش به سوی هندوستان از طرف ملیشه های که سالها به امر کارمل ونجیب الله برای چپاول جان، مال وناموس مردم ولایات مختلف افغانستان فرستاده میشدند، جمع شد. حکومت تنظیمی ساخت اسلام آباد برای اشغال قدرت دولتی به کابل فرستاده شد. هشت ثور روز انتقال رسمی قدرت به این حکومت بود. صبغت الله مجددی بحیث نخستین رئیس دولت تنظیمی هیچگاه این حقیقت را پنهان نکرد که در عمل شخص اول مملکت آمر مسعود بود. این موقعیت مسعود برای رقیبش گلبدین قابل قبول نبود. گلبدین که همیشه نازدانه ISI بود، مدعی نقشی بود که کارملی ها به مسعود تقدیم نموده بودند. حزب وحدت مزاری که به کمک مالی ایران واسلحه کندیهای قومی قادر به اشغال غرب کابل شده بود، به سهمی که در دولت تنظیمی داشت، قانع نبوده همچون حزب اسلامی خواستار تقسیم مجدد قدرت بود. مسعود و شرکا (ربانی، سیاف، فهیم. قانونی وبخشی از خانواده های مجددی و گیلانی) مصمم به حفظ وضع موجود به هر قیمت بودند. جنگ میان این نیروها قبل از انتقال رسمی قدرت آغاز یافته بود. دوستم که رهبری یک فوج ملیشیه خونخوار تا دندان مسلح را داشت و از طرف صبغت الله مجددی لقب مجاهد کبیر را نیز دریافت نموده بود، متوجه شد که در جنگ قدرت ساحة مانور وسیعی در اختیار دارد. جنگ داخلی قدرت بین تنظیمها که دوستم نیز شامل آنها بود، منجر به تخریب کامل شهر کابل، کشته شدن 65000 باشندۀ کابل، مهاجر شدن یک ونیم میلیون افغان به پاکستان و ایران، چپاول وفروش همه دارائیهای دولتی، انحلال اردو و پولیس و چپاول اسلحه شان توسط تنظیمها، سینه بریدنها، واسکت بریدنها، رقص مرده ها و تجاوز به مال وناموس شهریان کابل شد. آنچه در فوق ذکر شد، شمه از جنایات ضد بشریت و خیانت به منافع ملیست که حکومت تنظیمی هشت ثوری در سالهای قدرت خود مرتکب شده است. درین دوران ISI به بمنظور انهدام آبادیهای باقیمانده و صلب آخرین داشته ها از افغانها بازار کارخانو را به مرکز خرداریداری اشیاه چپاول شده مبدل ساخت. درین مرکز همه چیز از اسلحه و فلزات گرفته تا ریشه های تاک واستخوان مرده ها خریده میشد. یک طیاره ده میلیون دالری شرکت هوایی آریانا که فروش آن در کارخانو امکان نداشت، بعدها به امر برهان الدین ربانی به قیمت 600.000 دالریه یک شرکت ایرانی فروخته شد. اعمال شرم آور که حکام هشت ثوری انجام دادند، هشت ثور را بیک روز سیاه وفاجعه بار در تاریخ معاصر افغانستان مبدل ساخت. تجلیل ازین روز توسط دولت افغانستان به معنی تأیید جنایات ضد بشریت و خیانت ملی انجام شده توسط سران وقوماندانان فعال در رژیم هشت ثوری بوده و یک عمل شرم آور محسوب میگردد. باید از تکرار این حرکت شرم آور که توهین به قربانیان فجایع آن دوران است، جداً جلوگیری شود.

(کمیته حقوق بشر فارو)